

طرح مسأله

پس از قرآن کریم اولین مرجع مهم در شناخت احکام و عقاید، سنت و روایات معصومین (علیهم السلام) است. اعتبار و جاودانگی این ذخیره بزرگ، حقیقتی است که خداوند در آیات مختلف آن را برای مسلمانان ضرورتی قطعی اعلام فرموده است. از سوی دیگر سنن و روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) در طی تاریخ پرفراز و نشیب خود با حوادث و نابسامانی های مختلفی روبرو شده که این حوادث بر میزان اصالت و خلوص آن تأثیر گذاشته است، به همین سبب استفاده مناسب از سنن و روایات موجود جز با فهم حدیث و تمیز سره از ناسره امکان پذیر نخواهد بود. از این رو امامان (علیهم السلام) با توصیه های مکرر بر فهم درست روایات و تدبیر و تعمق در معنای حدیث تأکید کرده و محدثان با پافشاری بر فهم صحیح و نقادانه حدیث و پیشگیری از نشر اکاذیب و کج فهمی ها رسالت خطیر خود را در حفظ و انتقال میراث گرانبهای برجای مانده از پیشوایان دین به انجام رسانده و با بکارگیری همه توان خویش در حل و شرح مشکلات حدیث گام هایی بلند برداشته اند که در قالبگردآوری و تنظیم و شروح کوتاه و بلند جلوه کرده است. گرچه انگیزه، هدف، شیوه و محدوده احادیث گردآوری شده یکسان نبوده است اما در مجموع تلاش محدثان، زمینه حفظ و بقاء آثار شیعه را فراهم آورده است. بر این اساس یکی از راه های اعتلای مکتب شیعه معرفی آثار عالمانی است که تلاش خود را در این راه وجهه همشان قرار داده اند. در این پژوهش سعی شده است روش بحرانی، مؤلف کتاب "عوالم العلوم" در جمع آوری و شرح روایات بررسی گردد لکن با توجه به وسعت مجلدات کتاب و فقدان برخی از آنها به منظور تمرکز بیشتر در این موضوع، جلد بیست و دو کتاب که مربوط به شرح حال و زندگی امام رضا (علیه السلام) می باشد، انتخاب شده است.

"عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال" تألیف شیخ عبد الله بن نورالله بحرانی اصفهانی محدث، فاضل، نقاد و از عالمان قرن ۱۲ هجری است. از شرح حال و تاریخ تولد و وفات وی اطلاعاتی در دست نیست. همچنانکه در بعضی از کتب تراجم از او یادی نکرده اند و در تراجم قرن حاضر نیز درباره او اطلاعات محدودی ثبت شده است؛ تنها از مقدمه طولانی وی در کتاب عوالم می توان دریافت که وی از شاگردان علامه مجلسی - متوفی ۱۱۱۱ ق- بوده است و هنگام تألیف بحار همکار مجلسی بوده و نزدیک بیست سال بر

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو

عاطفه زرسازان^۱

چکیده

بحرانی صاحب تألیف "عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال" از محدثان شیعه و هم عصر علامه مجلسی بوده است. این کتاب مستدرک بحارالانوار و مجموعه حدیثی بزرگی است که مجلدات آن به صد جلد می رسیده است. در این میان جلد بیست و دو کتاب در موضوع شرح حال امام رضا (ع) نگارش شده است. در این نوشتار سعی شده است پس از ارائه سبک کلی و ذکر امتیازات کتاب، روش بحرانی در تبیین احادیث بیان گشته و در نهایت به بررسی روایات از حیث سند، پرداخته شود. رهاورد این پژوهش معطوف به این حقیقت است که احادیث با ترتیبی خاص به همراه براهینی نیکو با ذکر کامل سلسله سند و روایت از منابع متعدد و اعتنا به نسخ دیگر درج گردیده است. وی جهت فهم بهتر روایات از آیات قرآن، شرح واژگان، کنایات و در بعضی موارد از منقولات تاریخی و علوم ادبی بهره برده است.

کلید واژه ها: امام رضا (علیه السلام)، بحرانی، عوالم العلوم، روش شناسی، روایت

درباره انگیزه تألیف این کتاب گفته شده است: پس از آن که مجلسی تألیف و تدوین بحار الانوار را سامان داد بر آن شد تا با نگارش مستدرک^۱ بحار تمام اخبار و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) را یک جا گرد آورد و به شرح آن پردازد. مجلسی در آغاز بحار الانوار اینگونه می نویسد: به زودی برخی اخبار کتب پیشینیان که بنا به جهاتی از آنها روایات کثیری نیاموردم، در یک کتاب جداگانه به نام مستدرک بحار ذکر می کنم زیرا الحاق به بحار سبب تغییر بسیاری از نسخ متفرقه در بلاد میگردد (مجلسی، ۱/ ۴۶) و در خاطر من این گونه می گذرد که اگر اجل فرصت دهد و توفیق و فضل الهی مددکار شود بر این کتاب شرح کاملی را بنویسم که در بر دارنده اهدافی باشد که در تصنیف های اصحاب یافت نمی شود. شرحی که مطلب در آن برای خردمندان به نهایت رسد (مجلسی، ۱/ ۵). لکن با درگذشت وی این آرزو انجام نپذیرفت و پس از چندی شیخ عبدالله بحرانی در پی انجام آرزوی استاد خویش برآمد.

در این نوشتار قبل از ورود به بحث اصلی ابتدا مباحثی درباره سبک کلی "عوامل العلوم" و معرفی جلد بیست و دو پرداخته سپس بحث های اصلی را پی می گیریم.

۱- ساختار کلی کتاب

"عوامل العلوم" به حسب تقسیم مؤلفدر صد کتاب میباشد. پنجاه کتاب در اصول و پنجاه کتاب در فروع و مجموع جزءهایش صد و بیست و هشت جزء است که در آن آیات کریمه و روایات ائمه (علیهم السلام) در موضوعات اعتقادی و فقهی ذکر شده است. در هر باب آیات مناسب با آن، ابتدا یاد می شود سپس نوبت به احادیث مربوطه می گردد و اگر مطلب به شرح نیاز داشته باشد به صورت مختصر با عنوان "بیان" یاد می شود (بحرانی، ۲۲/ ۷). بحرانی با نگارش کتاب عوامل روایات زیادی را با نظم جدید، همراه با ابداع در تنظیم و ابتکار در عناوین یکجا گرد آورد. نظم منطقی این کتاب را در دو زمینه میتوان مشاهده کرد: الف) کثرت عناوین مرتبط و در عین حال جمع آوری آن عناوین در یک جا در حالیکه بحار الانوار، کتابی است که نسبتاً از عناوین اصلی کمی برخوردار است. بحرانی در تنظیم ابواب خود گرچه از محتوای بعضی از کتب قدما نیز استفاده برده است اما غالباً همان مطالب موجود در بحار الانوار را به صورتی دیگر و با نظم منطقی در ابواب جدید ریخته است، البته احاطه ایشان به ابحاث بحار الانوار

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوامل العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۹۹ وی قرائت کرده و از وی اجازه حدیث داشته است (حسینی، ۳۸). مجلسی از او به فرزندی عزیز تعبیر می کند (همو، شماره ۷، ص ۱۲۸). بحرانی نیز خود در مقدمه "عوامل العلوم" مخطوط، به شاگردی بیست ساله اش نسبت به مجلسی اشاره می کند و ضمن تجلیل فراوان، اعتماد خود را در تألیف بر استاد میداند (مهدوی، ۲/ ۵۷).

آنچه از مقدمه کتاب به دست می آید که وی در تنگنای مادی به سر می برده و سفرهای متعددی به مشاهد شریفه چون مکه، مدینه، نجف، کربلا، سامرا و مشهد داشته است. جماعتی از اعلام چون محمد رفیع جیلانی و محمد اکمل پدر وحید بهبهانی از او روایت کرده اند. او قبل از نگارش این مجموعه، کتاب "جوامع العلوم" که همه علوم متداول زمان خودش را در آن جمع کرده و کتاب "جوامع الادب" که کتاب بزرگ و مهمی بوده را نگاشته است (حسینی، شماره ۷، ص ۱۲۹). آقا بزرگ تهرانی "جوامع العلوم" را کتاب مستقل دیگری نمی داند وی بر این باور است که نام این مجموعه بعد از چاپ بعضی مجلدات آن مانند مقتل در سال ۱۳۱۸ق به "عوامل العلوم" تغییر می یابد در حالی که قبلاً با نام "جوامع العلوم" از آن یاد می شده است (تهرانی، ۱۵/ ۳۵۶). "عوامل العلوم" مجموعه حدیثی بزرگی است که طبق نقل صاحب الذریعه تعداد مجلدات آن بسیار بیشتر از بحار الانوار بوده و گویا مجلدات آن به صد جلد میرسیده است. وی می نویسد: کتاب "جوامع العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال" کتاب بزرگی است که به مقدار کثیری نسبت به مجلدات بحار الانوار بیشتر است بلکه گفته میشود که به صد جلد میرسد و شنیده ام که همه آن در یزد موجود است (تهرانی، ۱۵/ ۳۵۶). صاحب اعیان الشیعه نیز به بیشتری عوامل نسبت به بحار الانوار اشاره کرده است اما اضافه می کند که تنها ۵۴ جلد آن موجود است (امین، ۸/ ۸۷۰). میرزای نوری عوامل را بحاری دیگر میداند جز آنکه بحرانی روش مجلسی را در ترتیب، تغییر داده و اسمش را عوض کرده است (نوری، ۱۰۲/ ۹۸)؛ لکن به نظر می رسد این قضاوت عجولانه ای است و بحرانی در جمع و گردآوری روایات توسعه بسیاری داده و به منابع و مصادری که مجلسی به آنها پرداخته، اعتنا کرده است. همچنین ابواب دقیق برای هر موضوع اعتقادی و فقهی و غیر آن قرار داده و احادیث را در باب مناسب خودش جای داده است.

۱- کتابی است که به عنوان متمم کتاب دیگر و با همان شروط احادیثی را که از کتاب سلف فوت شده، گرد آوری نموده

باشد (شانه چی، ۲۲۰).

۲- امتیازات کتاب عوالم العلوم

هدف از این بحث معرفی بیشتر این میراث شیعی است. ویژگی های بارز کتاب را می توان ترتیب نیکو در آوردن روایات در باب مناسب، بی نیاز کردن محقق از مراجعه به اسناد، ذکر موارد تقطیع، اختصار در ذکر سند دانست. اهتمام مؤلف بر این بوده است که با این مختصات، روایات را از کتب شیعه با همان اسنادی که در کتب آمده است و به دور از تطویل، جمع آوری و شرح نماید. با توجه به این مقدمات، به شرح امتیازات کلی این کتاب می پردازیم:

۲-۱- ترتیب نیکو در آوردن روایات در باب مناسب

بحرانی روایات را بر اساس متن آنها و به صورت موضوعی دسته بندی نموده و عناوینی برای آن در نظر می گیرد وی در این ترتیب کمال دقت را در چینش روایات بکار برده است چنانکه خود در باب "احضار علما در مجلس مأمون" ذیل روایتی از "عیون اخبار الرضا" می گوید: تمام آن اخبار را در کتاب احتجاجات و کتاب نبوت آورده ام و اینجا آنچه مناسب این مقام است را ذکر می کنم (بحرانی، ۳۰۶/۲۲).

کتاب با باب "اسم و نسب و کنیه امام رضا (علیه السلام)" که شامل ۱۶ حدیث است آغاز گشته، سپس سخن از احوال مادر امام (علیه السلام) و کیفیت ولادت ایشان - شامل ۱۶ حدیث - به میان آمده است. باب ۳ سخن از نصوص ائمه معصومین (علیه السلام) راجع به امام رضا (علیه السلام) - شامل ۵۲ حدیث - و باب ۴ که از طولانی ترین ابواب این کتاب است با عنوان معجزات و حالات غریب امام (علیه السلام) است که شامل ۱۱۳ حدیث می باشد. باب ۵ تا ۷ شامل فضایل و مناقب و مکارم اخلاق و سیره امام (علیه السلام) - شامل ۷۰ حدیث - و باب ۸ تا ۱۶، شامل ۸۷ حدیث است که سخن از احوالات امام (علیه السلام) با مأمون است. باب ۱۷ تا ۲۳ شامل احوال نزدیکان، اصحاب، ممدوحین و مذمومین امام (علیه السلام) که دربردارنده ۸۵ حدیث است و بالآخره باب ۲۴ و ۲۵ با موضوع شهادت امام رضا (علیه السلام) شامل ۴۹ حدیث می باشد. از ابواب دیگر کتاب می توان از مرثیه هایی که درباره امام (علیه السلام) سروده شده، برکات روضه رضویه و در انتها، باب استجابت دعا در مشهد رضوی است نام برد که مجموعاً ۲۴ حدیث را دارا است.

۲-۲- بی نیاز کردن محقق از مراجعه به اسناد

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۰۱ سبب شده است که از ابواب متعدد و کتب متعدد بحار در تنظیم مطالب خود بهره جوید بر همین اساس بعضی کار بحرانی را ادامه بحار دانسته و وی را محقق آرزوی برآورده نشده مجلسی دانسته اند (نوری، ۹۸/۱۰۲). ب) تنظیم تاریخی روایات و اخبار در یک باب، حال آنکه این نکته در بحارالانوار به ترتیب خاصی به چشم نمی خورد. بر این اساس بحرانی ابتدا روایات منقول از پیامبر (صلوات الله علیه و آله) پس از آن از صحابه و تابعین، بعد روایات ائمه (علیهم السلام) به ترتیب و در آخر به مطالب منقول از کتب قدما پرداخته است. فایده اینگونه تنظیم، به دست آوردن سیر تاریخی یک مسأله و موضع هر یک از معصومین، اصحاب و ارباب کتب با هر پدیده مطرح اجتماعی است.

جلد اول کتابدر مقدمات و اصطلاحات و ذکر منابع و جلد دوم و سوم در باب عقل و جهل و کتاب علم است. جلد چهارم تا هشتم درباره مباحثی از اصول دین، چون توحید و عدل و نبوت می باشد و از جلد نهم تا بیست و ششم شامل احوال پیامبر (صلوات الله علیه و آله) و حوادث بعد از ایشان و احوال فاطمه زهرا (صلوات الله علیها) و سایر ائمه (علیهم السلام) تا امام مهدی (علیه السلام) است که شرح حال هر یک از ائمه (علیهم السلام) به طور مجزا در یک جلد به نگارش درآمده است. بقیه اجزاء این مجموعه شامل برزخ و معاد، مکارم اخلاق، اوامرو نواهی، آداب و سنن و فروع دین و ابواب فقهی و احوال بعضی رجال و اجازات بعضی علما را شامل می شود. مقدمه این مجموعه شامل چهار مطلب است. مطلب اول در منابعی که از آن نقل می شود، مطلب دوم در نقل نص مقدم بعضی منابع، مطلب سوم در اصطلاحاتی است که مؤلف در کتاب به کار برده و مطلب چهارم در رموز کتبی است که از آنها مطلب نقل شده است. مجلد بیست و دو این مجموعه که در شرح احوالات امام رضا (علیه السلام) می باشد از ۲۸ باب که هر باب به تفکیک موضوع به بخش هایی تقسیم شده است و ۵۱۴ حدیث تشکیل شده است.^۱

۱- چاپ مجلدات موجود از این مجموعه با تحقیق سید محمد باقر ابطحی در حال انجام است و تا کنون چندین مجلد آن همراه با تصحیح و تعلیقات چاپ شده است. در این راستا در غالب ابواب عوالم العلوم استدراکاتی اضافه شده است. کار عمده این تحقیق، تلاش در جهت ارائه مصادر احادیث موجود در عوالم از بحار الانوار و کتب اصلی و نیز از دیگر مراجع معتبر است. ابطحی در این مجلد ۱۸۵ مستدرک اضافه کرده است که در مجموع ۶۹۹ حدیث می باشد.

تقطیع حدیث یعنی تفریق حدیث برای احتجاج مناسب به ابوابی که متعلق به آن است (شهید ثانی، ۱۳۱۹). تقطیع از موارد مهمی است که به هر انگیزه ای صورت گیرد بر فهم صحیح و کامل حدیث تأثیر می گذارد. از این رو موضوع تقطیع حدیث از جهت انتقال معانی واقعی روایات، همواره از دغدغه های محدثان بوده است. روش بحرانی ذکر کامل حدیث می باشد لکن در برخی از احادیث به علت طولانی بودن، روایت را تقطیع نموده و موضع حاجت را با عباراتی چون "ذکر خبر طویلا له اختصرت هذا منه" (باب ۵ بخش ۸ حدیث ۱) یا "والحدیث فیه زیاده و حذفها" (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱۷) و "فی حدیث طویل" (باب ۳ بخش ۱ حدیث ۳، باب ۷ بخش ۵ حدیث ۲) تعبیر می کند چرا که تکرار یک روایت که شامل چند حکم است به تعداد ابواب مختلف جز اتلاف وقت مؤلف و پژوهشگر نتیجه ای ندارد.

۲-۴- اختصار در ذکر سند

بحرانی گاهی اوقات روایات مختلفی را ذکر می کند و اگر سلسله سند همان سلسله سند قبلی باشد، برای جلوگیری از تکرار در جهت اختصار با عبارت "بهذا الاسناد" به آن اشاره می کند و سند را به روایت قبلی حواله می نماید (رک: باب ۳ بخش ۳ حدیث ۴۰، ۳۹؛ باب ۴ بخش ۱ حدیث ۵۲، ۳۷؛ باب ۶ بخش ۳ حدیث ۲).

۳- روش بحرانی در تبیین احادیث

بدون فهم متن، راهی به سوی کشف نظر دین وجود ندارد. از این رو فهم حدیث دغدغه اساسی علماء و متخصصان دین بوده و هست. قابل توجه است مؤلف ذیل هر روایتی که نیاز به شرح داشته است با عنوان "بیان" مطالبی ذکر می کند. اکنون لازم است به نقش این عالم بزرگ در جهت فهم بهتر روایات بپردازیم. در این نوشتار به مهم ترین راهکار های مؤلف در این زمینه پرداخته می شود.

۳-۱- توضیح واژگان

با توجه به فاصله زمانی موجود میان ما و عصر معصومین (علیهم السلام) و تطور معانی واژگان در گذر زمان، بیان و توضیح معانی کلمات دشوار بکاررفته در روایت ها الزامی است. چه بسا کلماتی که در زمان امامان (علیهم السلام) در معنایی بکار رفته اند که در زمان حاضر از آن معانی تهی شده اند و حتی معانی معارض با معنای اولی یافته اند. لذا فهم صحیح متن حدیث مانند فهم دیگر متون، در گرو فهم تک تک مفردات است. فهم و کشف معانی واژگان بکاررفته

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو ۱۰۳/// از آنجا که مؤلف احادیث مناسب با یک موضوع را از کتب و اصول مختلف جمع آوری کرده است، در بسیاری از موارد یک روایت را با چندین سند مختلف (رک: باب ۱ بخش ۳ حدیث ۲، باب ۳ بخش ۱ حدیث ۲ و ۷، باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱، ۲۰، ۲۴، ۲۵) یا یک مضمون را با الفاظ و اسناد متفاوت (رک: باب ۱ بخش ۳ حدیث ۱، ۲، ۵؛ باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱-۴۵؛ باب ۲۵ بخش ۱ حدیث ۱-۱۴؛ باب ۲۵ بخش ۲ حدیث ۱-۶) در کنار هم قرار داده است که این امر سبب شهرت یا تواتر معنوی یا اجمالی^۱ احادیث می گردد. این امر در بسیاری از باب های کتاب موجود است. به عنوان مثال در باب "نص أیبه علیه فی کبره و عند وفاته" ۴۵ روایت با الفاظ و اسناد متفاوت و با مضمون واحد روایت شده است که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می فرماید: این فقیه ترین اولاد من است که کنیه ام را به او بخشیده ام و با دستش به پسرش علی (علیه السلام) اشاره میکند (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱) و در روایت دیگر راوی می گوید: نزد موسی بن جعفر بودم دست مرا گرفت و کنار درب اطافی ایستادیم در را باز کرد دیدم پسرش علی (علیه السلام) را که در دستش کتابی بود که در آن مینگریست. به من گفت او را می شناسی؟ گفتم: بله او پسر علی (علیه السلام) است. سپس گفت: می دانی این کتاب چیست؟ گفتم: نه. گفت: این جفری است که تنها نبی و وصی در آن نظر می کنند (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۵).

همچنین در باب "القاب امام (علیه السلام)" روایتی را با ۴ سند گوناگون ذکر می کند که امام جواد (علیه السلام) فرمودند: خداوند او را رضا نامید چون او راضی به امر خدا در آسمان و راضی به امر رسول (صلوات الله علیه و آله) و ائمه بعدش (علیهم السلام) در زمین بود. راوی می گوید: به او گفتم آیا هیچیک از پدران شما اینگونه نبودند؟ امام (علیه السلام) می فرماید: بلی. راوی می گوید: گفتم پس چرا از بین آنها، او رضا شد؟ امام (علیه السلام) در پاسخ می فرماید: برای اینکه او به دشمنان مخالفش رضایت داد همانگونه که به دوستان موافقش رضایت داد در حالی که هیچیک از پدران ما اینگونه نبودند (باب ۱ بخش ۳ حدیث ۲-۵).

۲-۳- ذکر موارد تقطیع

۱- تواتر معنوی آن است که مورد تواتر قدر مشترک چند خبر باشد (ثانی، ۱۴۰۸ق، ۶۰). به عبارت دیگر مضمون چند حدیث یکی، ولی قالب الفاظ آنها متفاوت باشد و تواتر اجمالی آن است که علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی که در یک موضوع وارد شده است، بکند (مامقانی، ۱/۱۶۵).

عنوان مثال آورده است: "النَّعْ: درختی است که از آن کمان درست می کنند و نبتة مفرد آن است و از شاخه هایش تیرمی سازند" (باب ۴ بخش ۹ حدیث ۱)، "آری: محل نگهداری چهارپایان است و جمع آن آواری است" (باب ۷ بخش ۶ حدیث ۶)، "الدَّوَاةُ: آنچه با آن نوشته می شود و جمعش دوی مثل نواة و نوی است" (باب ۹ بخش ۳ حدیث ۲) و "الخلع - بکسر الخاء و فتح اللام - جمع الخلعة است" (باب ۹ بخش ۵ حدیث ۱۱).

۳-۲- بیان مقصود حدیث

بحرانی به دلیل توان علمی و ظرفیت فکری خود توانسته است در فهم و تبیین معانی احادیث قدم جدی بردارد و در برگرفتن پرده ابهام از چهره روایت پژوهشگران را یاری می کند. وی در مواردی ضمن شرح حدیث به روایت و گاهی به اقوال علما اشاره کرده و در جهت تبیین کلام معصوم از اقوال آنان نیز بهره برده است که به ذکر مواردی از آن بسنده می کنیم. وی روایت: "إِنْ أَبَاكَ أَخْبَرْنَا بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَلَوْ أَخْبَرْتَنَا بِهِ. قَالَ: فَأَخَذَ بِيَدِي فَهَزَّهَا، ثُمَّ قَالَ: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (التوبة، ۱۱۵): راوی می گوید به امام رضا (علیه السلام) گفتم: پدرت به ما از جانشین بعد از خودش خبر داد چرا تو به ما خبر نمی دهی. گفت: امام (علیه السلام) دست مرا گرفت و آن را تکان داد سپس آیه "خدا قومی را که هدایت کرده است گمراه نمی خواهد، تا برایشان روشن کند که از چه چیز باید بپرهیزند، که خدا بر هر چیزی داناست" تلاوت نمود (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۴) را به تنهایی دال بر نص صریح بر امامت امام رضا (علیه السلام) نمی داند. در باور وی استشهاد امام (علیه السلام) به آیه (توبه ۱۱۵) می تواند تلویحا متضمن نص بر امامت امام رضا (علیه السلام) باشد زیرا از وظایف امام (علیه السلام) مشخص کردن جانشین بعد از خود در زمان مناسب است. سپس او در تأیید این سخن به روایتی از حمیری در قرب الاسناد اشاره می کند که راوی از امام (علیه السلام) راجع به جانشین بعد از خودش می پرسد و امام (علیه السلام) در پاسخ می فرماید: این چیزی که از من سؤال کردی الان وقتش نیست. راوی می گوید: به او گفتم دیدی در مورد پدرت به چه ابتلائی دچار شدیم در حالی که تو از حوادث ایمن نیستی؟! امام (علیه السلام) در پاسخ می فرماید: انشاء الله، اگر حادثه ای که در مورد من می ترسی اتفاق بیفتد در آن صورت تو و غیر تو حجت دارید و می توانید به آن احتجاج کنید. بعد از ذکر این روایت مؤلف چنین نتیجه می گیرد: از طرف خدا بر امام واجب است که هر گاه خوف از جان داشته

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۰۵ در این کتاب گاه به شیوه اجتهادی است و بحرانی خود به تناسب کلام به ذکر معنای واژگان می پردازد البته در این موارد شاید بتوان گفت از کتب لغت بهره گیری شده اما نامی از منبع ذکر نشده است که به مواردی از آن بسنده می شود: زاریا: عاتبا، ساخطا، غیر راض (ب ۹ بخش ۵ حدیث ۸)، الکبر بالتحریک: الطبل (باب ۲۲ بخش ۶ حدیث ۲)، الصمصام: السیف الصارم الذی لا ینثنی (باب ۶ بخش ۷ حدیث ۵) و تماثل العلیل: قارب البرء (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱۲) و گاه این امر با استفاده از منابع صورت می گیرد. بحرانی در این کتاب از کتب کهن لغت همچون تاج اللغة اثر اسماعیل بن حماد جوهری (متوفی ۳۹۳ ق)، قاموس المحيط اثر محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۷۲۹ ق) و النهایه از مبارک بن محمد جزری (متوفی ۶۰۶) بهره برده است. به عنوان مثال وی ذیل عبارت "فما زال يعرج منها حتى مات: از آن حادثه همچنان لنگ بود تا از دنیا رفت" به نقل از جوهری "عرج" را هرگاه چیزی به پایشخص اصابت کند که باعث شود راه رفتنش، راه رفتن افراد لنگ شود، دانسته و در ادامه می گوید: اما اگر مادرزادی لنگ باشد "عرج بالكسر" گویند (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۴۵ و نک: باب ۴ بخش ۱ حدیث ۴۵، باب ۴ بخش ۹ حدیث ۱، باب ۷ بخش ۶ حدیث ۶، باب ۱۱ بخش ۴ حدیث ۱). در کلام دیگر به نقل از فیروزآبادی ذیل عبارت "فشرحت رجله فمات من تلك العلة بعد شهر: پایش قطع شد و به همین سبب بعد از یک ماه مرد" آورده است: "شرح" به معنی قطع و "شرحه" قطعه ای از گوشت است (باب ۹ بخش ۳ حدیث ۳ و نک: باب ۷ بخش ۱ حدیث ۲، باب ۹ بخش ۳ حدیث ۳، باب ۲۳ بخش ۱ حدیث ۱) یا در عبارت "ثم يدفني في دار مضيعه و بلاد غربه: سپس مرا به حالت خواری در بلاد غربت دفن می کنند" به نقل از ابن جزری می گوید: "مضيعه" بر وزن مفعله از ضیاع یعنی دورافکندن، رها کردن و خواری است (باب ۲۴ بخش ۵ حدیث ۱ و نک: باب ۱۴ بخش ۳ حدیث ۱، باب ۲۴ بخش ۱ حدیث ۲، باب ۲۴ بخش ۵ حدیث ۱).

مؤلف در مواردی که نیاز می دیده است ضبط و تلفظ صحیح کلمات را هم بیان کرده است، این امر سبب می شود تا هم خواننده ضبط کلمه مورد بحث را دقیقاً دریابد و هم معنای آن را با دیگر کلمات مشابه به آن خلط نکند، مثلا آورده است: "إرب - بكسر الهمزة و سکون الراء - العضو" (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۵۵). یا "الغمر - بالكسر - الحقد والضغن" (باب ۶ بخش ۷ حدیث ۴)، "بضعه - بالفتح - القطعه من اللحم" (باب ۲۴ بخش ۱ حدیث ۲) و "العلق - بالكسر - النفیس من کل شیء" (باب ۲۶ بخش ۴ حدیث ۱) و گاه به بیان جمع و مفرد کلمه می پردازد. به

و داشت که در شورا شرکت نماید" (باب ۹ بخش ۷ حدیث ۷). بحرانی در شرح آن چنین می گوید: یعنی مردم از خلافت ما مأیوس نباشند و اقرار مخالفین ما را که در امر ولایت برای ما نصیبی است، بدانند. وی در ادامه احتمال دیگری را در نظر می گیرد که شاید این تشبیه به خاطر اشتغال بر مصلحت های پنهانی باشد (همان جا).

۳-۳- استفاده از آیات قرآن

بحرانی در شرح و تبیین معنای حدیث به معارف قرآنی تمسک می جوید. استفاده از آیات قرآن جهت شرح و بیان برخی مطالب و مستدل کردن آن ها از دیگر مشخصه های این شرح است. چنانکه مؤلف در ذیل حدیث "حلفت بالعتق ألا أحلف بالعتق إلا أعتقت رقبة و أعتقت بعدها جميع ما يملك إن كان يري أنه خير من هذا- و أومي إلى عبد أسود من غلمانة- بقرايتي من رسول الله (ص) إلا أن يكون لي عمل صالح فأكون أفضل منه: من پیش از این با خدایم پیمان بسته ام که سوگند به عتق نخورم جز اینکه بنده ای را آزاد کنم بعد از آن همه غلامانم را آزاد کردم گرچه ممکن است کسی اینگونه فکر کند که من از این غلام - و به برده سیاه از غلامانش اشاره میکند - به علت خویشی ام با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برترم مگر آنکه عمل صالحی داشته باشم که به جهت آن عمل، فضیلتی به او یافته باشم" (باب ۶ بخش ۱۲ حدیث ۳) آورده است: "إن كان يري" یعنی "إن كنت أرى" سپس بیان می کند: امام رضا (علیه السلام) این کلام را به صیغه متکلم وحده گفته اند و این تغییر از جانب راوی است تا گمان نشود حکم سوگند، به امام (علیه السلام) تعلق گرفته است و در این باره به آیه « وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ » و بار پنجم بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد" (النور، ۷) استشهاد می کند و در نهایت اینگونه نتیجه می گیرد که امام (علیه السلام) به برده سوگند خورد چون اعتقاد نداشت که برتری او به بنده سیاهش صرف نزدیکی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بدون انضمام اعتقادات حسنه و اعمال صالحه است و این امر منافاتی ندارد که قرابت به انضمام اعمال صالح علّتی برای رسیدن به درجات علو باشد (همانجا).

۳-۴- شرح کنایات

آوردن عبارات در قالبهای مختلف تشبیه، استعاره و کنایه در انتفال مقصود به خواننده رساتر خواهد بود. امامان معصوم (علیهم السلام) نیز کما بیش این قالب ها را در کلام خود بکار بسته اند، حدیث پژوهان نیز به فراخور استفاده از این دست روایات، تلاش نموده اند تا زبان

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۰۷ باشد باید به حجت معروف و آشکار بعد از خودش احتجاج کند به همین دلیل خداوند در قرآن می فرماید: « وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ » (التوبه ۱۱۵) (همانجا).

نمونه دیگر در باب "معجزات امام (علیه السلام)" است. وی پس از ذکر روایتی بیان می دارد، این شهر آشوب نیز مثل این روایت را آورده است، جز این که در آخر روایت عبارت "فقال الناس: إنه اسم حنث" اضافه آمده است: سپس اینگونه بیان می کند: چه بسا معنی حنث اسم اولاد زنا باشد زیرا به ولد زنا، ولد حنث گفته می شد. چون آن ها محصول گناه بوده اند (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۸).

در روایتی دیگر از یاسر، خادم امام رضا (علیه السلام) چنین نقل شده است: "كان الرضا (عليه السلام) إذا رجع يوم الجمعة من الجامع وقد أصابه العرق والغبار رفع يديه وقال: اللهم إن كان فرجى مما أنا فيه بالموت فعجل لى الساعة و لم يزل مغموما مكروبا حتى قبض: زمانی که امام (علیه السلام) از نماز جمعه برگشت عرق بسیاری می کند، در این هنگام دو دستش را بالا می برد و چنین دعا می کند: خدایا اگر فرج من از این حالت مرگ است، همین لحظه آن را برسان. و همچنان مغموم و رنج دیده بود تا قبض روح شد" (باب ۱۴ بخش ۲ حدیث ۱). بحرانی این دعا را دلالت بر جواز آرزوی مرگ در بعضی احوال می داند و احتمال دیگری را مطرح می کند که چه بسا این دعا برای رفع تصور بعضی افراد جاهل است که گمان می کردند امام (علیه السلام) از نزدیکی به مأمون و از افعال او مسرور است و انتظار ولایتعهدی را دارد (همانجا).

همچنین ذیل عبارت "رب ما كان عنياً حسناً يكون من الجنة: چه بسا انگور نیکو در بهشت باشد" که امام (علیه السلام) در پاسخ مأمون که به ایشان گفته بود: "يا ابن رسول الله، ما رأيت عنياً أحسن من هذا: انگوری نیکو تر از این ندیدم" (باب ۲۵ بخش ۳ حدیث ۲) می گوید، مقصود این است که انگور نیکو تنها در بهشت است که تواز آن محرومی (همان جا). و در روایت دیگر آورده است: محمد بن عرفة به امام (علیه السلام) می گوید: "يا ابن رسول الله ما حملك على الدخول فى ولاية العهد؟ فقال: ما حمل جدى أمير المؤمنين (عليه السلام) على الدخول فى الشورى: یا ابن رسول الله چه چیز شما را مجبور ساخت که ولایت عهدی مأمون را پذیرفتید. امام (علیه السلام) در پاسخ می گوید: همان چیز که جدم علی (علیه السلام) را

بن ابراهیم و امر اهل بغداد و امر اصحاب زهیر و هزیمتهم"، بحرانی آورده است: این مطلب اشاره به جنگ سپاهیان امین و مأمون و خلع امین دارد و محمد بن ابراهیم بن الاغلب الافریقی از یاران امین بود و زهیر بن مسیب از یاران مأمون و این اشاره به ابتدای جنگ است که غلبه با امین بود (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱).

۳-۶- بکارگیری علوم ادبی

دانستن قواعد دستور هر زبانی کلید آن زبان محسوب می شود که بدون آن نمی توان به فهم متون دست یافت از سوی دیگر چون احادیث معصومان به زبان عربی صادر شده اند یکی از لوازم شرح روایت ها بکارگیری قواعد عربی است. از این رو بحرانی در بیان معانی احادیث از این قاعده بهره برده است. چنانکه ویدر باب "نص آیه علیه فی کبره و عند وفاته" ذیل عبارت "من لم یکن له بد من لقائی فلا یلقنی الا بکتابه: هر کس به ناچار باید خودم را ملاقات کند تنها با دست خط او مرا ملاقات می کند" (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱۸) مرجع ضمیر در "کتابه" را علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می داند و احتمال دیگری بیان می دارد که ممکن است به موصول (من) برگردد (همانجا). در جای دیگر عبارت "و قعدت فی هذه البلاد و ترکت بیت الهجرة و مهبط الوحی و ان المهاجرین و الانصار یظلمون دونک: در این سرزمین ها نشسته ای و از مدینه دارالهجرة و محل نزول وحی غافل شده ای و مهاجرین و انصار در آن جا مظلوم واقع شده اند و با بودن تو به آنان ظلم می شود" (باب ۱۶ بخش ۱ حدیث ۱) "یظلمون" را بر بناء مجهول می داند (همانجا) یا ذیل عبارت "حلفت بالعق ألا أحلف بالعق إلا أعتقت رقبه و أعتقت بعدها: من پیش از این با خدایم پیمان بسته ام که سوگند به عتق نخورم جز اینکه بنده ای را آزاد کنم اکنون همه غلامانم را آزاد کردم" (باب ۶ بخش ۱۲ حدیث ۳) احتمال می دهد که "اعتقت" معطوف به قول "حلفت" باشد که در این صورت قسم دوم است یا عتق متعلق به شرط مذکور باشد که در این صورت آنچه قبل از آن است جمله معترضه است (همانجا).

۳-۷- اعتنا به نسخ دیگر

دستیابی به نسخه های متعدد و دسترسی به گزارش های متفاوت راویان و کتب حدیث، یکی از بهترین راه های احراز صحت متن و اطمینان نسبی از سخن ابراز شده از سوی امام معصوم (ع) است (مسعودی، ۳۲). شیخ در این کتاب به نسخه ها و کتب و منابع دیگر توجه کرده است و تفاوت متن نسخه ها را بیان می دارد. به عنوان مثال در ابیات دعل خزاعی ذیل کلمه "حنینه"

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۰۹ استعاری یا کنایی حدیث را شرح نموده و پرده از چهره روایات برگیرند. به همین سبب بحرانی در شرح متن از این شیوه بهره جسته است. وی ذیل عبارت "فأخذ الاموال التي كانت فی یده و کسرها" در باب "نص آیه علیه فی کبره و عند وفاته" قائل است، کسر اموال کنایه از تصرف و بخشش مال بدون توجه است (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱۲). و عبارت "إنه کان یترب الکتاب: بر کتاب -نوشته اش - خاک می پاشید" را کنایه از تواضع می داند (باب ۷ بخش ۵ حدیث ۲) و ذیل عبارت "مخص زبدتکم: کره تان را به شدت تکان داد طوری که از آن کف خارج شد" آورده است: اینجمله کنایه از مکر و تلاششان در ظاهر کردن باطن مأمون است (باب ۱۳ بخش ۳ حدیث ۱) و عبارت: "ما کانت نفقتک الا فی کمک: خرجت نبود مگر در آستینت" را کنایه از کمی نفقه می داند تا جایی که شخص می تواند آن را با خود در آستینش حمل کند یا در به دست آوردن آن مقدار دچار خستگی نگردد (باب ۱۶ بخش ۲ حدیث ۴).

۳-۴- مشخص کردن افراد

بحرانی در باب "مکارم اخلاق امام (علیه السلام)" به معرفی افراد پرداخته است. او از عمر بن خلاد روایت می کند: بر امام رضا (علیه السلام) وارد شدیم و یکی از ما عرض کرد: فدایت شویم چرا رخسارتان را دگرگون می بینیم؟ امام (علیه السلام) فرمودند: من بیشتر شب بیداری کشیدم و در این شعر مروان بن ابی حفصه می اندیشیدم که گفته است: از کجا می شود و این شدنی نخواهد بود که دخترزاده ها ارث به جای عموها ببرند؟ در ادامه علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می فرماید: سپس خواب دیدم شخصی چهارچوب در را گرفته و می گوید: از کجا می شود و این شدنی نخواهد بود که مشرکین پرچمداران اسلام باشند- دخترزادگان نصیب ارث خود را از جدشان می برند در حالی که عمو بدون ارث کنار می رود- آن که آزاد شده است چگونه ارث نبوت برده؟ چه بسا آزاد شده ای که از ترس شمشیر سجد کرده است. وی مراد از "آزاد شده" را عباس عموی پیامبر (صلوات الله علیه) می داند که روز بدر اسیر شد و با فدیة آزاد گشت (باب ۶ بخش ۷ حدیث ۵).

۳-۵- استفاده از منقولات تاریخی

مؤلف بسته به نیاز، از منقولات تاریخی نیز بهره برده است. هر چند که استفاده از تاریخ در این کتاب به ویژه در سنجش با مستدرک آن پررنگ نیست و تنها می توان به گزارشی در باب معجزات امام رضا (علیه السلام) ذیل روایتی اشاره کرد، آنجا که آمده است: "فکان أمر محمد

لازم به ذکر است در نسخه خطی مؤلف، قبل از برخی احادیث یا اسانید، دایره قرمز رنگی کشیده شده که نمایانگر آن بوده است که حدیث یا سند به آن منبع تفرد داشته یا از هیچیک از ائمه (علیهم السلام) جز امام مذکور در آن سند، نقل نشده است لکن در نسخ بعدی به علت عدم مراعات ناسخین این نشانه از بین رفته است (حسینی، شماره ۷، ص ۱۳۰).

۴-۲- مرسل

شخصی که خود حدیث را از پیامبر (صلوات الله علیه) یا امام نشنیده اگر بدون وساطت صحابی از معصوم نقل کند، چنین حدیثی را مرسل نامند (شهید ثانی، ۱۳۶). جز این بر حدیثی که بیش از یک نفر از سلسله سند حذف گردیده اطلاق شده است (همان، ۱۳۷). البته معروف نزد علمای شیعه آن است که مرسل به حدیثی گویند که تمام راویان زنجیره سند یا برخی از آنها حذف شده باشد و یا به الفاظ مبهم و مجملی چون عن بعض، عن رجل ... آورده شده باشد (همان، ۱۳۶). بعضی از روایات مرسل کتاب به اشکال ذیل می باشد که به آن اشاره می شود.

در عوالم العلوم گاه به احادیثی برمی خوریم که تمام راویان زنجیره سند حذف گشته و با ذکر "مرسلا" به این موضوع اشاره شده است (رک: باب ۱ بخش ۳ حدیث ۲، باب ۴ بخش ۱ حدیث ۲۲ و ۱۶) یا برخی از آنها حذف شده (نک: باب ۴ بخش ۱ حدیث ۲۳، باب ۳ بخش ۳ حدیث ۲۵، باب ۹ بخش ۵ حدیث ۱۰) یا تنها نام معصوم ذکر شده است (باب ۳ بخش ۱ حدیث ۳، باب ۵ بخش ۳ حدیث ۱) گاهی نیز در زنجیره سند روایات، عبارات مبهم و مجهولی چون "بعض اصحابنا" (باب ۶ بخش ۸ حدیث ۳)، "بعض اصحابه" (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۵۵)، "عده من اصحابه" (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۳۷)، "عمن أخبره" (باب ۴ بخش ۲ حدیث ۱)، "عمن ذکره" (باب ۴ بخش ۴ حدیث ۲)، "من سمع الرضا" (باب ۹ بخش ۵ حدیث ۹)، "مولی العبد الصالح" (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۳۴) آورده شده است که این امر سبب می شود راویان سند مشخص نشوند و حدیث جزء احادیث مرسل به حساب آید.

۵-۳- موقوف

در نگاه عالمان حدیث موقوف به حدیثی اطلاق می شود که از شخص مصاحب معصوم نقل شده باشد چه سلسله سند به صحابی متصل باشد چه منفصل، خواه قول باشد یا فعل یا غیر اینها (شهید ثانی، ۱۳۱). برخی روایات در این کتاب از مصاحبان ائمه اطهار (علیه السلام) نقل شده است، مانند: هشام بن احمد (باب ۲ بخش ۱ حدیث ۳؛ طوسی، ۳۴۵)، فضل بن

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۱۱ مؤلف آورده است: در بعضی نسخ "حبیبیه" آمده است که به معنی نغمه است و اظهر این است که "حسینی" باشد همانطور که در بعضی از نسخه ها آمده است و آن نغمه معروفی است (باب ۹ بخش ۶ حدیث ۲) یا در باب "ما کتب المأمون فی جواب کتاب بنی هاشم فی ذلک" بعد از ذکر نامه چنین می گوید: این خبر در بعضی از نسخ طرائف آمده بود در حالی که در اکثر نسخه ها نبود (باب ۱۴ بخش ۳ حدیث ۱).

۴-تقسیم احادیث عوالم العلوم از جهت راویان سند

احادیث کتاب عوالم العلوم نیز مانند سایر کتب حدیثی در یک سطح قرار ندارند، بلکه گاهی مواردی در سلسله سند به چشم می خورد که آن را از سطح حدیث صحیح و حسن خارج می سازد. اینک به بررسی هر یک می پردازیم.

۴-۱- مسند

عالمان حدیث مسند را حدیثی می دانند که سلسله سند آن در جمیع مراتب تا معصوم مذکور و متصل باشد (شهید ثانی، ۹۷). در عوالم العلوم، نود و شش حدیث به شکل مسند آمده است. مؤلف در این کتاب از ۲۹۵ راوی که ۷ تن آنها زن می باشند، روایت کرده است که از این میان، از افراد زیر بیشترین روایات نقل شده است: ابراهیم بن عباس - صولی -، ابراهیم بن مهدی، ابن قولویه، ابن متوکل، ابن الولید، احمد بن ادريس، بزئطی، احمد بن محمد بن عیسی، حسن بن سهل، حسن بن علی الوشاء، حسن بن موسی، ریان بن صلت، ابو صلت هروی، علی بن ابراهیم بن هاشم، محمد بن سنان، ماجیلویه یاسر - خادم امام رضا (علیه السلام)، کلینی، صدوق، وراق، همدانی و یقطنی.

همچنین از معصومان زیر به ترتیب کثرت، روایاتی را نقل کرده است:

۱- امام کاظم (علیه السلام) ۵۷ روایت

۲- امام رضا (علیه السلام) ۲۷ روایت

۳- امام جواد (علیه السلام) ۶ روایت

۴- امام صادق (علیه السلام) ۴ روایت

۵- امام علی (علیه السلام) و امام حسن عسگری (علیه السلام) هر یک ۱ روایت.

۱- مقصود از کتب اطراف، کتابهایی است که در آن مؤلف بسنده به ذکر قسمتی از حدیث که دلالت بر بقیه آن دارد، می نماید سپس طرق و اسانید آن حدیث را به نقل از مأخذی که حدیث در آن وجود دارد، می آورد (معارف، ۱۷۵).

بخشی از متن به مشابه خود تغییر یافته است به عنوان مثال در باب "نص أبیه علیه فی کبره و عند وفاته" در متن حدیث ۲۴ آمده است: "کان ابوالحسن (علیه السلام) یتدی بالثناء علی ابنه" که در روایت مشابه خود به "أبیّه" تغییر یافته است (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۳۴) یا حدیث ۵ در باب "معجزات امام (علیه السلام)" آمده است: "فدخلت الی منزل الحسین بن بشیر" که در بعضی نسخ "الحسن بن بشیر" و در بعضی دیگر "ابی الحسن بن بشیر" می باشد (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۵) یا در متن روایت ۶۳ باب "معجزات امام (ع)" عبارت "امرأتی اخت محمد بن سنان" به "محمد بن سنان" تصحیف شده است (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۸۸).

نتایج مقاله

۱- بحرانی احادیث رسیده در هر موضوع را جمع آوری کرده، سپس ابواب متعددی برای آنها ایجاد کرده و بعد از انتخاب عناوین برای هر باب، روایات را در باب مخصوص خود جای داده است. آوردن اسناد مختلف ذیل یک روایت یا نقل یک مضمون با الفاظ متفاوت سبب تواتر اجمالی روایات گشته است. مشخص کردن موارد تقطیع را می توان از دیگر امتیازات کتاب نام برد.

۲- وی به منظور آگاهی از متن حدیث به نسخ دیگر اعتنا کرده و در موارد متعددی به بیان واژگان و شرح آنها با استناد به منابع معتبر می پردازد و از شرح کنایات و بکار گرفتن علوم ادبی غافل نبوده است. بحرانی با تأمل در مفاد احادیث به بیان معانی روایات پرداخته و ضمن شرح حدیث به اقوال علما و دیگر روایات اشاره داشته و تلاش خود را به منظور جلوگیری از برداشت های نادرست از احادیث بکار برده و پژوهشگر را به معانی مورد نظر نزدیک کرده است.

۳- در بررسی انجام شده از جهت راویان و متن احادیث به این نتیجه رسیدیم که نود و شش حدیث از احادیث کتاب، مسند بوده و زنجیره سند تا معصوم متصل می باشد که این امر سبب

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۱۳ یونس (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۷۰؛ خونی، ۱۴/۳۳۷) از اصحاب امام کاظم (علیه السلام)، صفوان بن یحیی (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۴۳؛ نجاشی، ۱۹۷؛ طوسی، ۳۳۸)، عبد السلام بن صالح- ابو الصلت- (باب ۵ بخش ۵ حدیث ۵؛ نجاشی، ۲۴۵؛ خویی، ۱۱/۱۸)، موسی بن مهران (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۲۸؛ خویی، ۲۰/۸۴)، از اصحاب امام رضا (علیه السلام)، موسی بن عمر بن یزید (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۳۷) از اصحاب امام جواد (علیه السلام) (برقی، رجال، بی تا، ص ۵۸) و امام هادی (علیه السلام) (طوسی، ۳۹۱) و عبد العظیم حسنی (باب ۶ بخش ۵ حدیث ۷) از اصحاب امام هادی (علیه السلام) (طوسی، ۳۸۷) و امام حسن عسگری (علیه السلام) (همانجا، ۴۰۱؛ خویی، ۱۱/۵۱)، حکیمه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱۶؛ برقی، ۶۲) و یاسر خادم امام رضا (علیه السلام) (باب ۴ بخش ۸ حدیث ۴؛ طوسی، ۳۶۹) از دیگر مصاحبان معصوم می باشند.

۴-۵- مهمل

گاهی در اسناد کتاب افرادی ذکر شده اند که یا نام آنها در کتب رجالی نیامده یا بیانی از روش، عقیده و مرام آنها نشده است عالمان حدیث چنین حدیثی را مهمل گویند (مامقانی، ۱/۳۹۷) مانند سلمه بن محرز (باب ۳ بخش ۱ حدیث ۱)، عمر بن واقد (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۴)، غزوان الضبی (باب ۲۴ بخش ۲ حدیث ۱)، فلان بن محرز (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۸۷) و قاسم بن محمد البرمکی (باب ۳ بخش ۴ حدیث ۱) که از آنها در کتب رجالی یادی نشده است.

۵-۵- مصحف

مصحف حدیثی است که بعضی از سند یا متن به مشابه خود تغییر یافته باشد (شهید ثانی، ۱۱۰). گاهی در سلسله سند بعضی روایات کتاب به افرادی بر می خوریم که در نسخ دیگر به مشابه خود تغییر کرده است، چنانکه در باب ۳ ذیل حدیث ۶ در زنجیره حدیث آمده است: "....عن نشیط عن خالد الجوان" در حالیکه در بعضی نسخ دیگر "الجواز" یا "الحوار" آمده است (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۶). یا در زنجیره حدیثی دیگر آمده است: "... عن محمد بن زید" که در نسخ دیگر تصحیف شده و "محمد بن یزید" آمده (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱۹) همچنین داود بن زری به داود بن رزین (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۳۴)، حسین بن محمد به حسن بن محمد (همانجا حدیث ۳۶)، زهیر به زبیر (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱) و موسی بن مهران به موسی بن عمران (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۸۸) تصحیف شده اند و زمانی به روایاتی بر میخوریم که

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۱۵
می گردد عمده روایات کتاب داخل در احادیث صحیح شود لکن احادیث مرسل، موقوف،
مهمل و مصحف نیز در کتاب مشاهده می شود.

- ۱- قرآن کریم
- ۲- امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۸م.
- ۳- بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم: مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۱۱ق.
- ۴- برقی، الرجال، بی جا، بی تا.
- ۵- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق - ۱۹۸۳م.
- ۶- التعریف بالتراث، نشریه الهادی، شماره ۷، فروردین ۱۳۵۲ش.
- ۷- حسینی، سیداحمد، تلامذه العلامة المجلسی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
- ۸- خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات و الروات، بی جا، ۱۴۱۳ق.
- ۹- شهید ثانی، زین الدین، الرعايه فی علم الدرايه، قم: مکتبه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۸ق.
- ۱۰- شانه چی، کاظم، علم الحدیث و درایه الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ق.
- ۱۱- طوسی، محمد بن الحسن، الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- ۱۲- مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه، قم: آل البيت، ۱۴۱۱ق.
- ۱۳- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۱۴- مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳ش.
- ۱۵- مهدوی، مصلح الدین، زندگی نامه علامه مجلسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸ش.
- ۱۶- نوری، حسن، الفیض القدسی فی ترجمه علامه المجلسی فی بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- ۱۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.